

داستانهای شگفت انگیز از زیارت عاشورا

عارف فرزانه آیت الله بهجت (ره) می فرمود: مضمون زیارت عاشورا گواه و روشن کننده عظمت آن است، مخصوصاً وقتی آنچه در سند زیارت ملاحظه می کنیم که امام صادق علیه السلام به صفوان می فرماید: زیارت عاشورا را بخوان و در خواندن آن استمرار داشته باش، من به خواننده آن چند چیز را تضمین می کنم: زیارت او قبول، تلاشش مشکور و حاجت وی از جانب خداوند متعال بر آورده می شود و با دست خالی باز نخواهد گشت.

ای صفوان! این را با ضمانتی از پدرم، و پدرم از امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از حضرت رسول صلی الله علیه وآله و رسول خدا از جبرئیل و جبرئیل از خداوند عزوجل دریافت نموده، هر یک از آنها این زیارت را با این ضمانت تضمین نمودند، خداوند عزوجل به ذات اقدس خود قسم خورده که هرکس زیارت کند حسین علیه السلام را به این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، زیارت و دعای او را قبول می کنم و خواسته اش هرچه باشد بر آورده سازم. پس از درگاه من با ناامیدی و زبان باز نگردد و او را به برآمدن حاجتش، و رسیدن به بهشت و آزادی از دوزخ خرسند و خوشحال می کنم و عاشورا می خواند. (۳)

ای صفوان! این را با ضمانتی از پدرم، و پدرم از امیرالمؤمنین علیه السلام و ایشان از حضرت رسول صلی الله علیه وآله و رسول خدا از جبرئیل و جبرئیل از خداوند عزوجل دریافت نموده، هر یک از آنها این زیارت را با این ضمانت تضمین نمودند، خداوند عزوجل به ذات اقدس خود قسم خورده که هرکس زیارت کند حسین علیه السلام را به این زیارت از نزدیک یا دور و دعا کند به این دعا، زیارت و دعای او را قبول می کنم و خواسته اش هرچه باشد بر آورده سازم. پس از درگاه من با ناامیدی و زبان باز نگردد و او را به برآمدن حاجتش، و رسیدن به بهشت و آزادی از دوزخ خرسند و خوشحال می کنم و عاشورا می خواند. (۳)



رفع بلائی بزرگ

علامه شیخ حسن فرید گلپایگانی از استاد خود مرحوم آیه الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی نقل فرمود: اوقاتی که در سامراء مشغول تحصیل علوم دینی بودم اهالی سامراء به بیماری وباء و طاعون مبتلا شدند و همه روزه عده ای می مردند روزی به همراه جمعی از اهل علم در منزل استاد مرحوم سید محمد فشارکی بودیم، ناگاه میرزا محمد تقی شیرازی تشریف آوردند و صحبت از بیماری وباء شد که همه در معرض خطر مرگ هستند.

مرحوم میرزا فرمود: اگر من حکمی بدهم آیا لازم است انجام شود یا نه؟ همه اهل مجلس تصدیق نمودند که بلی.

سپس فرمود: من حکم می کنم که شیعیان ساکن سامراء از امروز تا ده روز همه مشغول خواندن زیارت عاشورا شوند و ثواب آنرا هدیه روح شریف نرجس خانم والده ماجده حضرت حجة بن الحسن (عج) نمایند تا این بلاء از آنها دور شود اهل مجلس این حکم را به تمام شیعیان رساندند و همه مشغول زیارت عاشورا شدند.

از فردا تلف شدن شیعه متوقف شد و ... از شیعه ها پرسیدند: سبب اینکه دیگر از شما تلف نمیشوند چیست؟

به آنها گفته بودند: زیارت عاشورا، آنها هم مشغول شدند و بلاء از آنها هم بر طرف گردید.

علامه فرید فرمودند: وقتی گرفتاری سختی برایم پیش آمد فرمایش آن مرحوم بیادم آمد و از اول محرم سرگرم زیارت عاشورا شدم روز هشتم بطور خارق العاده برایم فرج شد (۴).

پی نوشت:

(۱) زیارت عاشورا و داستانهای شگفت آن، ص ۵۶.

(۲) کرامات الحسینیه، علی میر خلف زاده، ج ۲.

(۳) داستانهای مفاتیح الجنان، اسماعیل محمدی، ص ۴۰.

(۴) داستانهای شگفت، عبدالحسین دستغیب.

شفاعت او را در حق هر کس که شفاعت کند بپذیرم (۱).

مداومت به زیارت عاشورا

یکی از بزرگان می فرمود: مرحوم آیه الله حاج حسین خادمی و حاج شیخ عباس قمی و حاج شیخ عبدالجواد مداحیان روضه خوان امام حسین علیه السلام را در خواب دیدم که در غرفه ای از غرفه های بهشت دور یکدیگر جمع بودند. از آیه الله خادمی احوالپرسی کردم و گفتم: با هم بودن شما یک آیه الله و آقای حاج شیخ عباس قمی یک محدث و حاج شیخ عبدالجواد روضه خوان، چه مناسبتی دارد که با یکدیگر یک جا قرار گرفته اید؟

جواب دادند: ما همگی مداومت به زیارت عاشورا داشتیم و در مقدار خواندن زیارت عاشورا مثل هم بودیم. (۲)

عذاب را از این قبرستان بردارید

علامه نوری نوشته: مردی صالح بود که همیشه در اندیشه آخرت شبها در مقبره بیرون شهر معروف به «مزار» که جمعی از صلحا در آن دفن شده بودند، به سر می برد، او همسایه ای داشت که دوران خردسالی را با هم گذرانده بودند و در بزرگی گمراهی شده بود، پس از مرگ، او را در آن گورستان که نزدیک منزل آن مرد صالح بود به خاک سپردند. بیش از یک ماه از مرگ گمراهی نگذشته بود که مرد صالح او را در خواب می بیند که او حال خوشی دارد و از نعمتهای الهی بر خوردار است! به او می گوید: من از آغاز و انجام و درون و بیرون تو باخبرم، تو کسی نبودی که درونت خوب باشد و کار زشتت حمل بر صحت شود... کارت عذاب آور بود و بس، پس از کجا به این مقام رسیدی؟

گفت: آری! چنان است که گفتم، من از لحظه مرگ تا دیروز در سختترین عذاب بودم، اما دیروز، همسر استاد اشرف آهنگر از دنیا رفته و در اینجا (اشاره به جایی کرده که پنجاه قدم از گورش دورتر بوده) به خاک سپردند، دیشب سه مرتبه امام حسین علیه السلام به دیدنش آمدند. بار سوم فرمودند: عذاب را از این گورستان بردارند، لذا من آسایش قرار گرفتم. مرد صالح از خواب بیدار شده و در بازار



امام خمینی (ره):

محرم و صفر است که اسلام را زنده نگه داشته است.

یادداشت

سفیر حسین (ع) همچنان علم مقاومت برافراشته است. علمدار انقلاب از خون سیدالشهدا کوتاه نمی آید. بنام «محرم» را که همیشه خوب موقعی از راه می رسد. تا حرف از سازش زنده، ماه ارباب به دادمان رسید. ملتی که «محرم» دارد، اسارت ندارد. ما آقا زاده های حسین (ع) هستیم. طفل ۶ ماهه مان حتی دعوا دارد با یزید. تا عاشورا، عاشورا است، خواب سازش آشفته است.

اینجا کوفه نیست، کربلاست. در تلاقی روزگار، بهار خون در فصل پاییز شکوفه زده. دارد باران می بارد... بر گونه زمین، مثل برگ درختان. پاییز، فصل رنگهاست. با کتیبه های محتشم قشنگ تر می شود. با پرچم سرخ حرم. با لباس مشکی بچه ها که بالای داریست، زیر شرشر باران، چتر به کارشان نمی آید! به ما نیامده این سوسول بازی ها! سازش، سوسول بازی است! سر تا پا هم بالای داریست، خیس شویم اما «آه از آن ساعتی که با تن چاک چاک...». همان بالای داریست، «علی» می گفت: «عاشورا، اشک ما، روی باران را کم می کند».

سلام سالار شهیدان! دیوانه کرده ما را عاشورای شما. هنوز زمزمه های عارفانه عرفه یادمان هست. صحبت سر قطعه قطعه های بدن شما بود.

امام عاشورا! اذن ورودمان دهی، گریه های جدید برای تان آورده ایم. از یک عشق قدیمی، چه چیزی بهتر از چند قطره اشک جدید؟!

عزیز زهرا (س)! محرم برای ما «نوروز مقاومت» است. نه رستاخیز جسم است و نه رستاخیز جان، بلکه «رستاخیز خون» است.

حسین (ع)! خونی که در رگ ماست، هدیه به آن علمدار است که از خون شما ذره ای کوتاه نمی آید.

ارباب! به ما طعنه می زنند سینه زنی تکراری است. «باز این چه شورش است» تکراری است. طبل و زنجیر و سنج، تکراری است. حتی دعوا بر سر بلند کردن کتل، تکراری است.

حسین (ع) جان! نوترین عزای این عالم، سینه زنی امسال ماست برای شما. تکراری هست و نیست! پاییز تکراری است اما برای طبیعت تکراری نمی شود. ریختن برگ بر گونه زمین متوقف نمی شود.



در ایام محرم و صفر، ملت عزیز ما، باید روح حماسه را، روح عاشورایی را، روح نترسیدن از دشمن را روح توکل به خدا را، روح مجاهدت فداکارانه در راه خدا را، در خودشان تقویت کنند و از امام حسین علیه السلام مدد بگیرند.

مجالس عزاداری برای این است که دل‌های ما را با حسین بن علی علیه السلام و اهداف آن بزرگوار نزدیک و آشنا کند

آیا امام حسین(ع) با علم به شهادت به کربلا رفت؟



مهر شده بود، بر آن حضرت نازل کرد و گفت: ای محمد! این وصیت تو به نجبای از اهل بیت توست. پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) از جبرئیل پرسید: نجبای من چه کسانی هستند؟ جبرئیل گفت: علی بن ابی طالب و فرزندان او(علیهم السلام). پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) آن کتاب را به امیرمؤمنان (علیه السلام) داد و به او فرمود یک مهر آن را باز کند و به آنچه در آن است، عمل کند. امیرمؤمنان(علیه السلام) چنین کرد و سپس آن را به فرزند خود، امام حسن (علیه السلام) داد. او نیز با گشودن مهری به محتوای آنچه در آن بود، عمل کرد. آنگاه آن را به امام حسین (علیه السلام) داد. او نیز با گشودن مهر مربوط به خود، دید که در آن آمده است: همراه با گروه خود، برای شهید شدن خارج شو که بدون تو شهادت نصیب آنان نخواهد شد و جانت را به خدا بفروش. او نیز چنین کرد و آنگاه کتاب را به علی بن الحسین(علیهما السلام) داد. آن حضرت با گشودن مهر مربوط به خود، دید که در آن نوشته شده: سکوت اختیار کن، در منزل خود بنشین و به عبادت پروردگارت بپرداز تا مرگت فرا رسد. او نیز چنین کرد و آنگاه کتاب را به فرزند خود محمد بن علی (علیهما السلام) سپرد. آن حضرت با گشودن مهر مربوط به خود، این گونه مأموریت پیدا کرد: به مردم حدیث بگو و فتوا بده و از کسی جز خدای عزوجل نترس؛ زیرا کسی توان آسیب رساندن به تو را ندارد. او نیز چنین کرد و سرانجام کار خود را به فرزندش جعفر بن محمد (علیهما السلام) سپرد. او نیز با گشودن مهر مربوط به خود، این گونه مأمور شد: به مردم حدیث بگو، فتوا بده و علوم اهل بیت(علیهم السلام) را منتشر کن. پدران صالح خود را تصدیق کن و از کسی جز خدای عز و جل هراسان مباش؛ زیرا تو در پناه و امان هستی. او نیز چنین کرد و آن را به فرزند خود، موسی بن جعفر(علیهما السلام) سپرد. در اینجا امام(علیه السلام) بدون اینکه به شرح وظایف امام کاظم و ائمه بعدی(علیهم السلام) که هنوز زمان امامتشان فرا نرسیده بود اشاره کند، فرمود: موسی بن جعفر(علیهما السلام) آن را به امام بعد از خود می سپارد و او نیز... تا آنکه حضرت مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) قیام کند!"

پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود: هرگز به قضای من مغرور نشوید و نگویید چون پیغمبر در این نزاع به نفع ما داوری کرد، پس حق با ماست؛ زیرا من نیز در بین شما با شهادت و قسم حکم می کنم؛ درحالی که برخی از شما در اقامه دلیل محکمه پسند، قوی تر و خوش بیان تر از طرف مقابل خود است. پس هر کسی که من به نفع او حکم کردم، ولی حق با طرف مقابل بود، بدانند که قضای من چیزی را تغییر نمی دهد، بلکه او قطعه ای آتش را به خانه خود خواهد برد: «إنما أفضی بینکم بالبینات والأیمان و بعضکم ألحن بحجته من بعض، فأیما رجل قطع له من مال أخیه شیئاً فإنما قطع له به قطعاً من النار». بنابراین، آگاهی ائمه(علیهم السلام) از سرنوشت غیبی خودشان تکلیف آور نبود. از این جهت از آن علم استفاده نمی کردند؛ مگر در مواردی خاص که از سوی خداوند متعال مأمور استفاده از آن می شدند؛ وگرنه معیار تکلیف، علم عادی بود، نه علم غیر عادی. از این رو، اگر از راههای عادی، به نقشه دشمن پی می بردند و شرایطشان همانند شرایط امام حسین(علیه السلام) نمی بود، حتماً برای خنثی کردن آن، اقدام می کردند.

ج. ابو بصیر از امام(صلی الله علیه وآله وسلم) ادق (علیه السلام) نقل کرده است:

هر امامی که نداند به چه مصیبتی گرفتار خواهد شد و چه بر سر او خواهد آمد، چنین کسی، اساساً حجت خدا بر خلق او نیست: «أیّ امام لا یعلم ما یصیبه و إلی ما یصیر فلیس ذلک بحجة لله علی خلقه». در برخی روایات آمده است: امام معصوم(علیه السلام) به جزئیات آنچه بر سر او خواهد آمد، آگاهی دارد و این آگاهی را از صحیفه ای که در اختیار او قرار می گیرد، کسب می کند و آنگاه که مأموریت های ذکر شده در آن صحیفه به پایان می رسد، می فهمد که عمر او نیز به پایان رسیده است: «... إن لكل واحد منّا صحیفه فیها ما یحتاج إلیه أن یعمل به فی مدته فإذا انقضی ما فیها ممّا أمر به عرف أن أجله قد حضر ...». مأموریت های خداوند به اهل بیت قبل از وفات پیامبر از امام صادق(علیه السلام) رسیده است: قبل از وفات رسول اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) خدای عز و جل کتابی را که با مهرهایی از طلا

حضرت آیت الله جوادی آملی به این سؤال که اگر امام حسین (ع) علم به شهادت خود داشتند، چرا به کربلا رفتند؟ و اگر علم نداشتند، پس روایاتی که دلالت بر علم علم ائمه(ع) دارد را چگونه باید توجیه کرد؟ پاسخ گفت. پاسخ "حضرت آیت الله جوادی آملی" در مورد علم امام حسین (ع) به شهادت آن حضرت در کربلا به شرح ذیل است: الف: گاهی شرایط به گونه ای است که آدمی، بناچار برای رسیدن به مقصد و مقصود خویش، هر کاری انجام می دهد؛ حتی اگر بدانند به مرگ او می انجامد. رزمندگان اسلام که در دوران دفاع مقدس، برای عبور از میدان مین، بر هم سبقت می گرفتند، می دانستند سرانجام داوطلب شدن و سبقت گرفتن برای رفتن به میدان مین، شهادت آنان است، لیکن چون می دانستند برای دفاع از نظام اسلامی، چاره ای جز این نیست، پا در این میدان بی بازگشت می گذاشتند.

حرکت امام حسین(علیه السلام) به سوی کربلا نیز از این قبیل بود؛ زیرا انحراف در حکومت اسلامی به جایی رسیده بود که اگر قیام عارفانه آن حضرت و یاران باوفایش نبود، اسلام به پایان رسیده بود: «و علی الإسلام السلام إذ قد بلیت الأئمة براع مثل یزید» و این انحراف، جز با شهادت امام حسین(علیه السلام) قابل اصلاح نبود.

*انواع علم ائمه اطهار (ع)

ب: پیغمبر اکرم(صلی الله علیه وآله وسلم) و ائمه اطهار(علیهم السلام) از دو علم برخوردارند: علمی که از راههای عادی به دست می آید و علمی که از راههای غیر عادی و غیر متعارف به دست می آید. با توجه به اینکه دنیا نشئه تکلیف است و آن پیشوایان نور نیز همانند سایر مردم، مکلف به تکالیف الهی بودند، مکلف به استفاده از علوم غیر عادی نبودند و تنها باید طبق علم عادی رفتار می کردند. البته در مواردی که خداوند به آنها اجازه می داد، از علوم غیر عادی برای اعجاز و اثبات حق بودن دعوت یا دعوا استفاده می کردند. پس استفاده از علوم غیر عادی به اذن خاص الهی بستگی داشت، نه به اراده خودشان. چون آن ذوات نورانی در تمام ابعاد علمی و عملی، معصوم و مصون بودند و اراده آنان تابع اراده الهی بود، هرگز در استفاده از علوم غیر عادی، از امر خداوند سرپیچی نمی کردند. حتی در قضا نیز مأمور بودند که به علم عادی عمل کنند. به همین سبب،

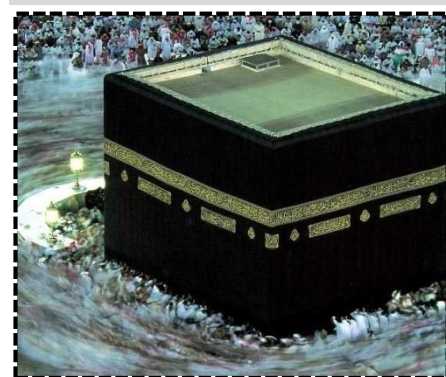


پیراهن مشکی مخلوق

کربلا نه یک حادثه، که یک حماسه است، و آنان که فرق میان «حادثه» و «حماسه» را نمی دانند، درباره حماسه کربلا متفکرانه می اندیشند. کربلا را اما باید عاشقانه اندیشه کرد. عاشقانه اندیشه کرد و دید؛ در حج، آدمی احرام سپید بر تن می کند تا گرد خانه ای که ملبس به لباس مشکی است، طواف کند. اما تو ای نفس! اگر اهل سیرت باشی، چشم صورت می بندی و با دیده بصیرت، نظاره می کنی کعبه را که به عنوان نمونه امارت، خود مشغول چرخیدن بر گرد «حسین» به عنوان نمونه امامت است... و مگر نه اینکه در این هنگامه، موسم حج سر آمده و من و تو نیز ملبس به همان لباس مشکی کعبه، مشغول طواف سپیدی نور ۲ عین ایم؟! حسین ایم؟! آری! خدا خانه اش را همیشه خیمه حسین خواسته است. کعبه از ما حسینی تر است. عزاخانه حسین، هرگز لباس دیگری نمی پوشد. چون حسین، خون خداست؛ خدا از ما حسینی تر است.

✓ اکبر شهیدی

پیراهن مشکی خالق



امام رضا علیه السلام فرمود:

بر شخصی چون حسین باید گریست، چرا که گریه بر او موجب آموزش

گناهان بزرگ می شود.

بحار الانوار، جلد ۴، ص ۲۸۳

تهیه شده در

مدرسه علمیه حضرت فدیجه (س)

(سطح ۴)

